

اصول و روش تفسیر قراردادهای بیمه

منصور امینی*

دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

حمید حمیدیان

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۸)

چکیده

تفسیر به معنای تلاش برای درک مفهوم مبهم و مدلول حقوقی و قراردادی است. قراردادهای بیمه معمولاً قراردادهای الحاقیاند، لذا قراردادهای بیمه به دلیل وجود موقعیت نابرابر قراردادی، مستلزم نوعی اصول و قواعد تفسیری حمایتی هستند که از بیمه‌گذار حمایت کند. دکترین تفسیری قراردادهای بیمه از نظر شیوه اعمال و زمان کاربرد به دو دسته، دکترین سنتی یا اولیه و دکترین نوین یا ثانویه تقسیم می‌شود. دکترین اولیه، روش سنتی تفسیر با هدف کشف قصد طرفین به وسیله ابزارهای قراردادی است و در درجه اول اعمال می‌گردد؛ ولی در مواردی که رفع ابهام‌ها از طریق این دکترین ممکن نیست، دکترین ثانویه اعمال می‌شود. دکترین ثانویه شامل دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر و دکترین انتظارات معقول می‌باشد که هرکدام ماهیت ویژه متفاوتی دارند.

واژگان کلیدی

الحاقی بودن، دکترین انتظارات معقول، دکترین تفسیری، دکترین تفسیر علیه بیمه‌گر، قراردادهای بیمه.

۱. مقدمه

منشأ اغلب اختلافات در حوزه حقوق قراردادهای، ابهام در مفاهیم کاربردی قرارداد است؛ لذا زمانی که اختلافی پیرامون تعارض تصورات طرفین از مفهوم شروط و قیود قراردادی پیش می‌آید، قضات یا داوران باید در تکاپو برای کشف حقایق و واقعیت امر باشند تا با رسیدن به نتایج کارآمد و حقیقی، به توافق طرفین دست یابند که این تلاش را می‌توان تفسیر نامید. قراردادهای بیمه نیز مانند سایر قراردادها ممکن است مشمول اختلافاتی شود که بیمه‌گر و بیمه‌گذار در خصوص شرط یا مفهومی از قسمتی از قرارداد اختلاف داشته باشند. در این مقاله سعی شده است که دکتترین و اصولی که در تفسیر قراردادهای بیمه به کار می‌رود، تحلیل و بررسی گردد. لذا مطالعه می‌شود که در تفسیر قراردادهای بیمه چه دکتترین کارایی بیشتری دارد؟ و اینکه قراردادهای بیمه با انواع دیگر قراردادها به‌طور کلی چه تفاوتی دارد؟ آیا این تفاوت‌ها به بروز اصول و قواعدی جداگانه برای تفسیر این قراردادها منجر می‌شود؟

۲. مفاهیم و مبانی دکتترین تفسیری قراردادهای بیمه

بررسی دکتترین تفسیری قراردادهای بیمه، مستلزم شناخت مفاهیم مؤثر در تفسیر، مشخصات قرارداد بیمه، و مبانی فلسفی دکتترین تفسیری است؛ لذا در آغاز به این مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود.

۲.۱. مفاهیم مؤثر در تفسیر قراردادهای بیمه

۲.۱.۱. مفهوم تفسیر و دکتترین تفسیری

از نظر لغوی، تفسیر، کلمه‌ای عربی از ماده «فَسَّرَ» و از مصدر باب تفعیل، به معنای کشف مقصود از لفظ، ظهور، و کشف و ایضاح هر سخنی به شکل مطلق است و برخی تفسیر را حل غوامض لفظ دانسته‌اند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵). اما تفسیر در واژه‌نامه‌های انگلیسی، در دو واژه Interpretation و Construction به کار رفته است که معنای اولیه لغوی تفسیر در زبان انگلیسی در واژه Interpretation نهفته است که به معنای فرایندی برای تعیین چیستی چیزی، به‌خصوص سندی قانونی یا حقوقی می‌باشد و معنای واژه Construction در درجه دوم و در معنای ثانویه خود، عمل یا فرایند تفسیری و توصیفی یا قصد یک نوشته (مثل قانون یا سند حقوقی) و یا تعیین مفهوم اسناد بر اساس معیارهای حقوقی است (Bryan A. Garner, 2004, p.332). ولی تفسیر به لحاظ ماهوی مفهومی دیرفهم^۱ است؛ به همین لحاظ، اختلاف پیرامون مفهوم تفسیر بسیار است. توضیح بیشتر اینکه، توضیح و شرح قرارداد، همیشه به‌طور مستقیم

برابر با شفاف‌سازی نیست؛ لذا تعاریف مختلفی از تفسیر بیان شده، از جمله اینکه تفسیر عبارت است از «کوششی که حقوق‌دانان برای درک مدلول نهادهای حقوقی به کار می‌گیرند» (علوی یزدی، باب‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷). اما دکترین به‌طور کلی به معنای نظر، اندیشه و فکر است (معین، ۱۳۸۸، ص ۶۷۶)، اما در معنای تخصصی و حقوقی، به معنای اصلی است که به‌طور گسترده رعایت می‌شود؛ و از منابع غیرمستقیم حقوق اساسی دکترین، عقل، آزادی اندیشه و جستجوی عدالت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷۴).

۲.۱.۲. مفهوم ابهام^۱

عنصر کلیدی که قراردادها را در ورطه تفسیر قرار می‌دهد، وجود ابهام در متن قرارداد است که این‌گونه بیان شده: «ابهام بزرگترین علت دعاوی بر اسناد نوشته شده است» (Preston M. Torbert, 2014, p.1) و زبان‌شناسان ابهام را به‌عنوان عبارتی که می‌تواند به دو یا چند طریق تفسیر شود، توصیف کرده‌اند. دادگاه‌های کالیفرنیا نیز بیان کرده‌اند که «عبارتی مبهم است که معقولاً مستعد برای هر یک از معانی ادعاشده توسط طرفین باشد» (Preston M. Torbert, 2014, p.9). به‌موجب یک تعریف موسع، یک مقرره وقتی مبهم است که مضمون بیش از یک تفسیر معقول باشد و تفسیری معقول است که محتمل باشد. حتی اگر بهترین تفسیر ممکن نباشد، اما به‌موجب تعریف مضیق واژه‌ها کمتر برجسب مبهم‌بودن را می‌خورد؛ اما به‌موجب تعریف وسیع، تقاسیر ضعیف نیز ممکن است محتمل باشد. در رویه قضایی در تشخیص ملاک میزان معقولیت، اتحاد نظری وجود ندارد و برخی از دادگاه‌ها معیار نوعی و برخی معیار شخصی را در نظر می‌گیرند (Michael B. Rappaport, 1995, p.180).

۲.۱.۳. مفهوم قرارداد بیمه

بیمه برای حداقل کردن عدم قطعیت مالی و در جهت حمایت مالی در مقابل نتایج رویدادهایی است که خسارت‌های مالی و مسئولیت ایجاد می‌کنند. در برابر این حمایت مالی، بیمه‌گذار معمولاً حق بیمه مشخصی به شرکت بیمه‌گر پرداخت می‌کند و بیمه‌نامه شکل می‌گیرد، و واجد آثار حقوقی برای طرفین می‌شود (Philip Anderson, 1999, p.5). در غرب، از قرارداد بیمه به‌عنوان قرارداد جبران خسارت یاد می‌شود، اما بیشتر قراردادهای بیمه لزوماً به جبران خسارت نمی‌انجامد. پس به تعبیر بهتر باید گفت، قرارداد بیمه برای تأمین بیمه‌گذار است (امیرصادقی نشاط، ۱۳۷۰، ص ۳۰). به‌موجب تعریفی تکنیکی از سوی برخی از حقوق‌دانان از قرارداد بیمه، «بیمه عملیاتی است که در آن، بیمه‌گر افرادی را که در معرض حادثه و ریسک قرار دارند،

سازماندهی می‌کند و از محل مبالغی که جمع حق بیمه‌های دریافتی فراهم شده است، از بیمه‌گذارانی که این حادثه عملاً برای آنها تحقق می‌یابد، رفع خسارت می‌نماید» (بابایی، ۱۳۸۹، ص ۲۱).

۲. ۱. ۴. خصایص قراردادهای بیمه

الف) الحاقی و استاندارد بودن بیمه‌نامه

امروزه در استفاده از قراردادهای استاندارد یا نمونه، مشتریان ناگزیرند قرارداد را کلاً قبول یا از آن صرف‌نظر کنند. البته قراردادهای استاندارد دارای امتیازاتی هستند؛ از جمله اینکه چون این قراردادها از پیش تهیه شده‌اند، پرکردن جای خالی آنها معمولاً موجب می‌شود تا توافق در خصوص شروط قراردادی و محتوای آن سریع‌تر حاصل شود و لازم نباشد تا طرفین درباره جزئیات آن مذاکره کنند. معمولاً در این قراردادها طرفی که قدرت بیشتری دارد، به طرف ضعیف‌تر می‌گوید: «اگر تو این کالاها یا خدمات را می‌خواهی، قبول این شرایط تنها راهی است که می‌توانی به آن کالاها یا خدمات دسترسی پیدا کنی؛ یا قبول کن یا برو پی کارت» (شیروی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). تقریباً در خصوص کلیه قراردادهای بیمه، از قراردادهای استاندارد (نمونه) یا قراردادهای الحاقی استفاده می‌شود؛ به طوری که عقد بیمه به‌عنوان نمونه بارز عقود الحاقی از سوی دکترین حقوقی معرفی شده است. علت الحاقی شمردن عقد بیمه آن است که بیمه‌نامه پیش‌تر از جانب بیمه‌گر تهیه و چاپ شده است و بیمه‌گذار به قرارداد از پیش تعیین‌شده، بدون آنکه مذاکره‌ای در مورد شرایط عمومی آن کرده باشد، وارد می‌شود (بابایی، همان، ص ۴۷).

ب) اصل حد اعلای حسن‌نیت^۱

هر قراردادی باید مبتنی بر حسن‌نیت باشد؛ اما برحسب ماهیت قرارداد، درجه حسن‌نیت نیز می‌تواند متفاوت باشد. یکی از مشخصات و حتی در درجه بالاتر، اصول عمومی در حقوق بیمه، اصل حد اعلای حسن‌نیت است. این اصل، تعهدی متقابل است و به‌طور مساوی نسبت به بیمه‌گر و بیمه‌گذار اعمال می‌شود و به همین دلیل بیمه‌گر موظف است در قرارداد بیمه هرآنچه که نشان دهنده تعهدات اوست، چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی ذکر کند و مواردی را که به‌نحوی در صورت بروز حادثه می‌تواند مؤثر در پرداخت خسارت باشد، در بیمه‌نامه قید نماید (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۶). سایر قراردادها اصولاً مشمول قاعده «خریدار باید با چشم باز خرید کند»^۲ است؛ به این معنا که فروشنده تعهدی به افشا ندارد. قراردادهای بیمه از

1. Utmost good faith -uberrima fide
2. Caveat emptor let the buyer beware

این قاعده خارج‌اند و تابع تعهد متقابل حداکثر حسن‌نیت می‌باشند (D.K. Srustrova, 1998, p.233).

ج) غیرمادی و غیرمحسوس بودن موضوع قرارداد

موضوع عقد بیمه، مالی غیرمادی و غیرمحسوس بوده که درک آن برای بیمه‌گذاران مشکل است و برخلاف دیگر کالاهای مصرفی که مشتریان آن را هنگام عقد بررسی می‌کنند، برای بیمه‌گذار درک ماهیت آنچه که خریده، دشوار است (Dudi Shwartz, 2008, p.107).

۲.۲. مبانی حقوقی و فلسفی دکترین تفسیر قراردادهای بیمه

اولین مبنا مبتنی بر ظاهرگرایی^۱ یا شکل‌گرایی، مکتبی قضایی است که در حقوق قراردادها از سوی فیلسوف انگلیسی، جان آستین^۲، شناخته شد و در حقوق بیمه، از جانب ساموئل ویلستون^۳ گسترش یافت (Peter N. Swisher, 1991, p.1093). بر اساس دیدگاه وی، بیمه‌نامه باید بر اساس اصول عمومی و با توجه به اراده ظاهر طرفین که در حقوق قراردادها وجود دارد و بدون توجه به نتایج اخلاقی یا اجتماعی، تفسیر شود و هر شرطی که با رضایت بیمه‌گذار در بیمه‌نامه قید می‌شود، تا زمانی که واضح و بدون ابهام باشد و با نظم عمومی در تضاد نباشد، معتبر است (Dudi Shwartz, 2008, p.111). لذا دادگاه در جستجوی تعیین قصد طرفین می‌تواند صرفاً از متن استفاده‌شده کمک بگیرد (Peter N. Swisher, 1996, p.1040). این نگرش حقوقی در معاهدات مؤثر حقوق بیمه^۴ و در دانشنامه‌های حقوق بیمه^۵ به رسمیت شناخته شده است^۶. مشکل جدی این نگرش این است که بیمه‌نامه‌ها اغلب قراردادهایی معمولی نیستند که از سوی طرفین با قدرت مذاکره‌ای برابر منعقد شوند و بیمه‌گذاران کمتر برای خواندن بیمه‌نامه‌های خود وقت صرف می‌کنند.

و اما نگرش دیگر کارکردگرایی^۷ حقوقی با عنوان واقع‌گرایی حقوقی^۸ یا عمل‌گرایی

1. Formalism
2. John Austin
3. Samuel Williston
4. Appleman s' Insurance Law and Practice
5. Couch s' Cyclopedia of Insurance Law

۶. از جمله منتقدین این نگرش، هولمز است که در سال ۱۸۸۱م بیان داشت: «زندگی حقوق صرفاً از منطق ناشی نمی‌شود، [بلکه] از تجربه هم ناشی می‌شود» همچنین رئیس دادگاه آرتروم در پرونده‌ای می‌گوید: «بعید می‌داند که حتی قضات و کلایی که ادعا می‌کنند باید متن بیمه‌نامه خوانده‌شده توسط بیمه‌گذار تصور شود، خودشان هم متن بیمه‌نامه‌ای را که برای خودشان منعقد می‌کنند، بخوانند» (Peter N. Swisher, 1991, p.546).

7. Legal Functionalism.
8. Legal Realism.

حقوقی^۱ نیز شناخته می‌شود و نام آرتور کربین^۲ را در ذهن تداعی می‌کند. این مکتب در تفسیر قرارداد از عدالت توزیعی و عدالت معاوضی مدد می‌گیرد و سود فرد در طول سود اجتماع در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه با یک ماهیت منطقی، اجتماعی و حقوقی، از نظر اجتماعی نتایج مطلوبی دربر دارد (Dudi Shwartz, 2008, p.111). درحالی که ظاهرگرایی حقوقی بیشتر اساس منطقی حقوقی دارد، کارکردگرایی حقوقی بیشتر اساس اجتماعی دارد و نتیجه را مد نظر قرار می‌دهد (Peter N. Swisher, 1991, p.546).

دیدگاه میانه یا واقع‌گرایانه^۳ درحقیقت آشتی دو نگرش ظاهرگرایی و کارکردگرایی حقوقی است؛^۴ لذا دیدگاه ظاهرگرایی با دیدگاه کارکردگرایی ترکیب شده، در عین توجه به اراده‌ی ظاهری و ظاهر قرارداد منطبق با دیدگاه ظاهرگرایی، طرفین قرارداد در جایگاه و قالب یک فرد معقول قرار گرفته، به انتظارات معقول آن‌ها در راستای دیدگاه کارکردگرایی توجه می‌شود.

۳. دکترین اولیه و ثانویه در تفسیر قراردادهای بیمه

وجود مبانی حقوقی و اقتصادی دلیلی محکم برای تفسیر متفاوت قراردادهای بیمه است که با هدف بهبود موقعیت بیمه‌گذار و با جانب‌داری از بیمه‌گذار و جلوگیری از اقتدارگرایی بیمه‌گر به کار می‌روند (James M. Fisher, 1995, p.1001)؛ لذا در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

۳.۱. دکترین اولیه در تفسیر قراردادهای بیمه

۳.۱.۱. مفهوم و چارچوب دکترین اولیه

منظور از دکترین اولیه یا سنتی در تفسیر قراردادهای بیمه، همان دکترین و اصولی است که در قراردادها به‌نحو عام مورد توجه قرار می‌گیرد. در قراردادها عموماً کشف قصد طرفین، مهم‌ترین هدف تفسیر قرارداد است. نظام کامن‌لا نیز در تفسیر قراردادها هدف اولیه خود را کشف قصد طرفین از متن سند معین نموده است. در رویه قضایی بر این هدف تأکید زیادی

1. Legal Pragmatism.

2. Arthur Corbin.

3. Realistic Middle Ground.

۴. برخی معتقدند این آشتی در پرونده *Brown v. Equitable Life Insurance* در سال ۱۹۷۳م دادگاه عالی ایالت ویسکانسین ایالات متحده آمریکا بروز نمود. به این ترتیب که بیان شد: «قراردادهای بیمه، مشمول اصول و قواعد یکسان تفسیری است که بر دیگر قراردادها اعمال می‌شود. و از طرفی، هدف از تفسیر، تعیین قصد واقعی طرفین در قرارداد بیمه می‌باشد. در پرونده‌های قرارداد بیمه، واژه‌ها بر اساس اصول و معیاری که بیمه‌گرها از مفهوم واژگان قصد کرده‌اند، معنا نمی‌یابند؛ بلکه آن چیز یابند که یک فرد معقول در موقعیت بیمه‌گذار، انتظار دارد که واژه‌هایش آن معنا را بدهد و تفسیر شود. ابهامات در پوشش [بیمه]، به نفع دربرگرفتن پوشش [بیمه] تفسیر شود، و استثنای مضیق، علیه بیمه‌گر تفسیر شود» (Peter N. Swisher, 1991, p.566).

شده و بیان گردیده است که «یک امر ذاتی و اساسی در تفسیر قرارداد این است که توافقات، بر اساس قصد طرفین تفسیر شود» (Maser Consulting, P.A. v. Viola Park Realty, 2012, p.5).

۳. ۲. ۱. ابزار و منابع دکترین اولیه

تفسیر بر مبنای دکترین اولیه نیاز به ابزار و منابعی دارد که شاکله تفسیر مبتنی بر این دکترین را تشکیل می‌دهد و قاضی در تفسیر به این منابع رجوع می‌کند. در مرحله نخست، متن قرارداد زیربنای حقوق و وظایف طرفین است (Steven J. Burton, 2009, p.36)؛ بنابراین نقطه آغاز در تفسیر این است که واژه‌هایی از جانب طرفین برای بیان توافقتشان انتخاب شده‌است. در نظام کامن‌لا نیز برای متن قرارداد، تقدس و اهمیت خاصی قائلاند و در این نظام تنها منبع تفسیر معتبر قرارداد، متن قرارداد است (Robertson v French, 1803, p.264).

در کنار متن، چارچوب قرارداد از ابزار استنباطی است که مفسر باید با توجه به آن، قصد مشترک طرفین را کشف نمایند. چارچوب داخلی قرارداد یا سیاق قرارداد، قالبی است که می‌تواند به واژه‌ها معنا دهد یا معانی آن‌ها را تغییر دهد؛ و واژه‌ها به مثابه مایعی هستند که در درون ظرف شکل خود را پیدا می‌کنند؛ لذا همان چگونگی قرارگیری عبارت در جوار کلمات و جملات دیگر و نظام آن‌هاست (لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲۳).^۱

همچنین ممکن است طرفین پس از توافقتشان رفتاری کنند که روشن سازد تفسیر خاصی را بر قرارداد از آغاز مد نظر داشته‌اند که از آن با عنوان رفتار متعاقب یاد می‌شود. ولی رفتار متعاقب صرفاً می‌تواند اماره‌ای باشد بر آزمودن راستگویی شاهدان بر این موضوع، نه اینکه ملاکی برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی تعهدات و شروط باشد (Catherine Mitchell, 2004, p.50). همچنین شواهد طرفین از دوره عمل یا ایفا^۲، گواهی قوی دیگری از قصدشان در زمان انعقاد قرارداد است. یک سری رویدادهای تکرار شده، با علم به ماهیت عمل ممکن است خط مشی معاملاتی قبلی^۳ را که مناسب برای تفسیر توافقات متوالی بعدی باشد به وجود بیاورد؛ به عبارت دیگر، رویه معاملی یا خط مشی معاملات قبلی در معاملاتی شکل می‌گیرد که رابطه طرفین آن در مدت زمانی نسبتاً طولانی استمرار داشته، در اثنای این رابطه، رویه‌ها و

۱. با همین مفهوم، قاعده‌ای در حقوق کامن‌لا وجود دارد که با نام ایوزدم جنریس^۱ مشهور است؛ به این معنا که چیزی که همسنگ و هم‌گروه با بقیه مطالب است باید با اهداف آن گروه در نظر گرفته شود. در کنار چارچوب داخلی، چارچوب خارجی قرارداد یا شواهد خارجی که گاهی از آن به اوضاع و احوال عینی قرارداد نیز یاد می‌شود، آن دسته از زمینه‌ها و اوضاع و احوالی هستند که در حاشیه قرارداد، چه پیش از انعقاد قرارداد و چه پس از انعقاد قرارداد، بر آن تأثیرگذارند و منشأ این شواهد و مدارک، قرارداد و طرفین قرارداد است. در همین راستا قاضی ویلبرفرس^۱ بیان نمود: «هیچ قراردادی در یک خلأ متعقد نمی‌شود. همیشه یک زیربنایی وجود دارد که باید بر آن قرار بگیرند» (Catherine Mitchell, 2004, p.50).

2. Course of Performance

3. Prior Course of Dealing

طرقی شکل می‌گیرد که تداوم و استمرار آن، طرفین را ملزم می‌سازد در معاملات بعدی نیز به آن پایبند باشند (Steven J. Burton, 2009, p.52).

شواهد مبتنی بر علائم اختصاری، ابزاری دیگر برای تفسیر بر مبنای دکترین اولیه می‌باشد که در هر قرارداد یا اسلیپ (خلاصه قرارداد)^۱ ممکن است توضیحاتی باشد که به دادگاه برای درک معنای اختصارات به‌کاررفته کمک کند و عبارت اختصاری را به عبارات تفصیلی تبدیل نماید (Sir Michael J. Mustill, Jonathan C.B. Gilman, 1981, p.74). درنهایت در بیمه‌نامه ممکن است شروطی وجود داشته باشد که به‌طور ضمنی و به‌وسیله عرف درج شده باشد. فرض می‌شود طرفین چنین عرفی را به‌عنوان بخشی از قراردادشان منظور کرده‌اند.

۳.۱.۳. قواعد اصولی حاکم بر تفسیر قراردادهای بیمه

- **تفسیر در پرتو کل قرارداد.** یکی از اصول تفسیر، اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد یا به‌عبارتی، اصل وحدت اجزای قرارداد است. دادگاه باید تمامی قسمت‌های قرارداد را با هم بخواند تا بتواند تعیین کند که توافق طرفین چه بوده است و برای رسیدن به این هدف هر قسمت را در کنار قسمت‌های دیگر قرارداد در نظر بگیرد؛ زیرا ممکن است هر قسمت بر قسمت دیگر تأثیر بگذارد (Steven J. Burton, 2009, p.41).
- **تفسیر در پرتو اصل حسن‌نیت.** در هر قرارداد، یک تعهد ضمنی حسن‌نیت و انصاف معاملاتی وجود دارد و یکی از اصولی که توافق مشترک طرفین در قراردادها بر پایه آن تفسیر می‌شود، اصل حسن‌نیت است. حسن‌نیت را باید از مفاهیم اخلاقی دانست که نشانگر انجام رفتار صادقانه و به‌دور از هرگونه سوءاستفاده از جانب فرد است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴). قراردادهای بیمه، بیمه‌گذار و بیمه‌گر نسبت به تعهداتی که در مقابل هم پذیرفته‌اند، موظف به راستگویی و صداقت خواهند بود و نباید با سوءنیت رفتار نمایند (Le-zhang Sha, 2009, p.18).
- **تفسیر در پرتو اصل انصاف.** اصل آزادی قراردادهای، مفسر را صرفاً ملزم به تفسیر توافق طرفین می‌نماید؛ لذا دادگاه‌ها قراردادهای را برای طرفین ایجاد نمی‌کنند. البته استفاده از انصاف به‌عنوان ابزار تفسیر، ممکن است قراردادی برای طرفین ایجاد کند

۱. قراردادهای بیمه در بازارهای بیمه لندن، ابزاری دیگری برای تفسیر دارند که از آن به اسلیپ^۱ یا خلاصه قرارداد یاد می‌شود که بیمه‌نامه از آن پیروی می‌کند. به‌موجب گزارش اصلاحی بازار بیمه لندن (LMP2001)، حدالمقدور باید اسلیپ منعکس‌کننده جمله‌بندی نهایی به‌روشنی باشد. دلال، اطلاعات و داده‌های بیمه‌ای را که قرار است تحصیل گردد، جمع‌آوری و این اطلاعات را روی ورقه‌ای یادداشت خواهد کرد. این نوشته، ورقه اسلیپ (slip) نامیده می‌شود و در مذاکرات راجع به یک قرارداد بیمه دریایی جایگاه و مرتبه بسیار مهمی دارد.

که طرفین به آن نرسیده‌اند و یا توافقی که طرفین به آن رسیده‌اند، ناکام ماند (Steven J. Burton, 2009, p.185). ولی انصاف به‌عنوان مکمل قواعد حقوقی، نمی‌تواند مانع اجرای آن‌ها شود و میل به عدالت و برآوردن نیازهای وجدانی در مواقعی به دادرس فشار می‌آورد؛ تا جایی که عدالت و انصاف را گاه قربانی منطق خویش ساخته، با رویگردانی از تمام قواعد، صرفاً به ندای وجدان خویش و انصاف عمل می‌نماید.

- **استنباط واژه‌ها در معنای رایج.** در تفسیر واژه‌هایی که از سوی طرفین برای بیان توافقشان انتخاب شده‌اند، معنای ذاتی و معمولی آن‌ها مد نظر بوده، معنای اولیه برداشت می‌شود و این واژه‌ها در معنای رایج و مشهور خود تفسیر می‌گردند؛ مگر اینکه معنای خاصی به واژه‌ها ضمیمه شود (E R Hardy Ivamy, 1979, p.324). برخی از پژوهشگران، توجیه دیگری برای اولویت معنای رایج در قراردادهای بیمه آورده‌اند، با این توضیح که قراردادهای بیمه قراردادهای معمولی نیستند و اکثراً قراردادهای الحاقی می‌باشند؛ به همین دلیل باید در معنای رایج خودشان تفسیر و تعبیر شوند. اگر به‌جای اینکه در معنای تکنیکی و حقوقی در نظر گرفته شوند، از دیدگاه یک ذهن آموزش‌نندیده و یا فرد معمولی در بازار تفسیر شوند- که بیمه‌گذار در این قراردادها اغلب چنین فردی است- (Peter N. Swisher, 1996, p.579)، انحراف از معنای رایج واژه‌های به‌کاررفته موجب تضعیف اطمینان تجاری می‌شود؛ لذا ارجاع به «معنای رایج» در هر حال نباید گمراه‌کننده باشد (Howatd Bennett, 2007, p.264). بنابراین، بیمه‌نامه تجاری باید از دیدگاه فردی که در آن صنعت فعالیت می‌کند، تفسیر شود و اگر شروط و عبارات بیمه‌نامه تجاری در دنیای تجار، معنای ویژه‌ای داشته باشد، باید در همان معنای رایج تجاری تفسیر شود (E R Hardy Ivamy, 1979, p.324).
- **شروط مکتوب و شروط چاپی.** قراردادهای بیمه، قراردادهایی استاندارد و الحاقی هستند. در قراردادهای بیمه، شروط چاپی^۱ و ازپیش تدوین‌شده‌ای وجود دارد که در برخی بیمه‌نامه‌ها و بیمه‌نامه‌های تجاری، شروطی با عنوان شروط نوشته‌شده یا مکتوب^۲ و یا متعاقباً اضافه‌شده وجود دارد. یکی از دشواری‌های تفسیر بیمه‌نامه‌ها، وفق دادن عبارات یا جملات نوشته‌شده در سند با یکی یا بیشتر شروط چاپ‌شده قبلی است. شروط نوشته‌شده نشان از آن است که آن قسمت از بیمه‌نامه را آن‌طوری که بوده و همان‌طور که چاپ شده است نخواسته‌اند؛ بنابراین شروط مکتوب بر

1. Formal Clause
2. Written Clause

شروط چاپی حاکم است. پس هنگامی که شروط نوشته شده به بیمه‌نامه چاپی اضافه می‌شود، اگر به طریقی با شروط بیمه‌نامه چاپی متعارض باشد، بر شروط چاپی غالب و فرض می‌شود که بیان نهایی از قصد طرفین است؛ بنابراین واژه‌های چاپی به نفع واژه‌های نوشته شده کنار زده می‌شود. همچنین، شروط مکتوب نسبت به شروط چاپی مضیق‌تر تفسیر می‌شوند و باید سختگیری بیشتری در تفسیر بر آن قیود و مقرره‌هایی که طرفین خودشان ارائه کرده‌اند، نسبت به واژه‌ها و شروط چاپی اعمال گردد؛ پس نمی‌توان از گسترش پوشش بیمه یا مضیق تفسیر نکردن این قیود حمایت کرد (E R Hardy Ivamy, 1979, p.323).

۲.۳. دکتربین ثانویه تفسیر قراردادهای بیمه

دکتربین نوین یا ثانویه در پی رفع و ترمیم وضعیت نابرابری است که به دنبال خصایص قرارداد یا قدرت انحصاری یکی از طرفین قرارداد ایجاد شده، باعث نوعی تبعیض در قرارداد می‌گردد.

۳.۲. مبانی مشترک حقوقی و اقتصادی دکتربین ثانویه

الف) مبانی قراردادی

- **الحاقی بودن بیمه‌نامه‌ها.** همان‌طور که اشاره شد، الحاقی بودن بیمه‌نامه‌ها از خصایص عمومی آن‌هاست. برخی حتی قراردادهای بیمه را قراردادهای سوپرالحاقی می‌خوانند؛ با این توضیح که شرایطی در قرارداد باید درج شود که حتی بیمه‌گر نقشی در تنظیم آن نداشته، اجبار قانونی برای درج آن وجود داشته باشد. (Jared Wilkerson, 2011, p.234) مشتریان ناگزیرند یا قرارداد را در کل بپذیرند یا از آن صرف نظر کنند^۱ از طرفی در بیمه، مصرف‌کننده هیچ‌گونه منافع عینی و محسوس در آن واحد دریافت نمی‌کند و صرفاً تعهد مشروطی یا نوعی تأمین از بیمه‌نامه‌اش در برابر هر دلار از حق بیمه‌اش دریافت می‌کند؛ به همین دلیل است که قراردادهای بیمه به دلیل داشتن قوه ذاتی تعدی‌گرایانه، فرد قوی‌تر را مجاز می‌سازد که با مقرره‌سازی به نحوه اقتدارگرایانه در قرارداد عمل نماید، لذا دکتربین ثانویه و حمایتی از بیمه‌گذار برای ترمیم این نابرابری اعمال می‌گردد (David S. Miller, 1998, p.1854).
- **امانی بودن روابط بیمه‌گر و بیمه‌گذار.** دادگاه‌ها روابط بیمه‌گر و بیمه‌گذار را به‌عنوان روابطی که ماهیت امانی دارد تعریف کرده‌اند؛ به این ترتیب که بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار امان است، به این شکل که بیمه‌گر امین از جانب بیمه‌گذار متن

1. Take it or leave it

بیمه‌نامه را تنظیم می‌کند و بر مبنای روابط امانی، امین نباید در مسئولیت خود افراط و تفریط کند و در صورتی که در این رابطه افراط یا تفریط نماید، مسئول است؛ لذا ابهام در متن بیمه‌نامه اماره‌ای از نوعی افراط و تفریط در روابط امانی است، و در نتیجه توجیهی برای قواعد حمایتی به نفع بیمه‌گذار می‌باشد و این اقدامی در جهت جلوگیری از پیشنهادی‌های امین یا همان بیمه‌گر است (James M.Fisher, 1995, p.1020).

- **معیوب تلقی کردن موضوع بیمه.** بیمه بازار کالا نیست، بلکه موضوعی غیرمادی و غیرملموس است که در قرارداد بیمه منعکس می‌شود. متن مبهم در واقع به مثابه عیب تولید انگاشته می‌شود و همان‌طور که تولیدکننده در قبال عیوب موجود در کالا مسئولیت دارد، بیمه‌گر نیز در قبال این عیب، یعنی ابهام، مسئول شناخته می‌شود؛ لذا این مبنایی دیگر برای اعمال دکترین حمایتی برای تفسیر قراردادهای بیمه است (James M.Fisher, 1995, p.1017).

- **موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه‌گر.** عموماً اغلب بیمه‌گران خبره‌تر و آگاه‌تر از بیمه‌گذاران هستند و این ناشی از موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه‌گر می‌باشد، زیرا «بیمه‌گر به‌طور مداوم به کسب و کار بیمه مشغول است؛ درحالی که بیمه‌گذار یک بازیگر اتفاقی این صحنه است» (James M.Fisher, 1995, p.1074). بیمه‌گران مدام قراردادها را مرور، اصلاح و بروزرسانی می‌کنند و از طرفی کمک ویژه‌ای که دلالتان بیمه و مدیریت‌کنندگان ریسک^۱ در زمان تشکیل قرارداد فراهم می‌آورند، برای بیمه‌گذاران معمولی عموماً در دسترس نیست.

- **پیچیدگی مفاهیم قراردادی و فنی.** صنعت بیمه سرشار از مفاهیم و عباراتی است که درک آن برای یک بیمه‌گذار ممکن است بسیار دشوار باشد. بیمه‌گران هم واژه‌های فنی را برای دقیق‌ترسازی بیمه‌نامه در قرارداد به‌کار می‌برند، و این باعث پیچیدگی بیمه‌نامه می‌شود.

(ب) مبانی غیرقراردادی

- **اهداف غیرتجاری.** خرید بیمه نوعی تأمین آسایش ذهنی و امنیت روانی در برابر حوادثی است که موجب خسارت می‌باشد؛ لذا مانند معامله‌ای نیست که هر طرف به دنبال کسب منفعت و سود قطعی از قرارداد باشد، بلکه نوعی تأمین برای آرامش روانی در مقابل خسارت احتمالی است. لذا با توجه به هدف نهایی بیمه‌گذار، باید در

پی دکترین حمایتی از بیمه‌گذار در تفسیر قرارداد بیمه بود (James M.Fisher, 1995,) (p.1034).

- وضعیت شبه‌دولتی بیمه‌گر. برخی تجارت‌ها به‌طور خاص متأثر از منافع عمومی یا عهده‌دار منافع عمومی هستند. صنعت بیمه به‌طور خاص تحت تأثیر یک منفعت عمومی است. این بر می‌گردد به سابقه قضایی رأیی که در امریکا در پرونده Munn v. Illinois در سال ۱۷۸۷ صادر شد و در آن به‌عنوان اصلی بیان شد که بیمه متأثر از منافع عمومی است. به عقیده دادگاه‌ها، مقررات قوه مقننه در صنعت بیمه گواهی بر این است که بیمه «با منافع عمومی ممهور شده است» (David S.Miller, 1998, p.1855)
- استثنای معاملات بیمه از قوانین رقابتی. در معاملات بیمه‌ای، عدم تقارن اطلاعات میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر وجود دارد و بیمه‌گر موقعیت برتر اطلاعاتی دارد و بیمه‌گذار دچار کمبود اطلاعات است. این ناکارآمدی بالقوه بسیار شدید است؛ مخصوصاً زمانی که بیمه‌گر تعهدی نسبت به اطلاع دادن به بیمه‌گذار از محدودیت‌های متن بیمه‌نامه نداشته باشد تا بیمه‌گذار را در تصمیم‌گیری پیرامون نیازهای واقعی بیمه‌ای یاری کند. این وضعیت یعنی اطلاع‌رسانی دقیق به بیمه‌گذار نیز هیچ‌گاه رخ نمی‌دهد، زیرا مشورت و دادن اطلاعات به بیمه‌گذار، هزینه‌های فرعی بیمه را بالا می‌برد و بیمه‌گر ممکن است قادر به جبران هزینه‌های مشورت بیمه‌گذار نباشد و فقط مقدار هزینه‌ها را می‌افزاید؛ لذا از این کار پرهیز می‌شود. از طرفی، بیمه‌گران باید مجاز باشند که از مزیت اطلاعاتیشان بهره‌برداری کنند، و واگذار کردن آن‌ها به بازار که بیمه‌گران را از پوشش‌های کم دور و به پوشش‌های وسیع تشویق نمایند، درست نیست. یک سرمایه‌گذار باید قادر باشد از اطلاعات خود به‌عنوان فرصت‌هایی که سرمایه‌گذاری‌اش ایجاد می‌کند، سود ببرد؛ با اینکه این سودجویی ممکن است قربانی داشته باشد و قربانی آن بیمه‌گذار است. البته باید توجه داشت که بیمه‌گران موقعیت برتر را صرفاً با سرمایه‌گذاری خودشان به‌دست نمی‌آورند، بلکه عمدتاً یک نتیجه از معافیت دولتی در قوانین، قابل اعمال است. توضیح بیشتر اینکه بیمه‌گران از دیرباز مدعی بوده‌اند که آن‌ها مجاز به اشتراک‌گذاری اطلاعات میان یکدیگر برای گسترش محدودیت‌ها و دقیق‌ساختن قیود استاندارد هستند. این اشتراک‌گذاری اطلاعات بسیار گسترده است و صرفاً به تجارب حاصل از ضررها محدود نیست، بلکه اطلاعات پیرامون تجارب اقامه دعوی و تجارب

قیمت‌گذاری را نیز دربر می‌گیرد. در بیشتر حرفه‌ها و تجارت‌ها، چنین اشتراک‌گذاری اطلاعات به‌عنوان یک تبانی شناسایی شده، نوعی رویه ضدرقابتی محسوب می‌شود؛ لذا این معافیت دولتی توجیه مناسبی برای دکتترین ثانویه و قواعد حمایتی به نفع بیمه‌گذار فراهم ساخته است. موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه‌گر نتیجه‌ی صرفاً سرمایه‌گذاری نیست، بلکه در بخش بزرگی نتایج خودداری دولت‌ها از یک رویه است که به‌طور طبیعی، ضدرقابتی ذاتی می‌باشد، و دستیابی بیمه‌گر به این اطلاعات، نتیجه‌ی سودجویی عمدی از معافیت دولتی از قوانین رقابتی است (David S. Miller, 1998, p.1059).

- **بالا بردن کارآمدی تخصیص ریسک.** افراد معمولی که بیمه‌گذار هستند، ممکن است تا حد زیادی تحت تأثیر خسارت بیمه‌نشده واقع شوند، و آن خسارت برایشان خسارتی عظیم تلقی گردد؛ در صورتی که بیمه‌گر این چنین نیست. قضاوت، توزیع یک ضرر را در طول سرمایه‌عظیمی که از بیمه‌گذاران مختلف عاید بیمه‌گر می‌شود، ناچیز می‌پندارند و شرکت بیمه را متمکن پرداخت ضرر و منبع مالی خوبی برای بیمه‌گذار می‌دانند؛ بدون توجه به اینکه پوشش واقعی چه چیزی مقرر می‌کند (David S. Miller, 1998, p.1056).
- **فرض پذیرش بالفعل بیمه‌گر.** پذیرش بالفعل^۱ یا همان استاپل^۲، مبنای دیگری برای اعمال دکتترین ثانویه برای تفسیر حمایتی به نفع بیمه‌گذار است. بیمه‌گر برتری اطلاعاتی نسبت به بیمه‌گذار دارد و می‌تواند مواردی را که بیمه‌گذار می‌خواهد و یا احتمالاً می‌تواند به‌موجب دکتترین ثانویه تحت پوشش قرار بگیرد، پیش‌بینی کند. لذا وقتی قراردادی را می‌نویسد، مطلع است که بیمه‌گذار به‌دنبال پوشش کافی برای خسارت احتمالی است، و عدم پیش‌بینی آن توجیه دیگری برای اعمال دکتترین ثانویه است؛ البته این استدلال در پی ترمیم نابرابری است تا اینکه واقعی باشد (David S. Miller, 1998, p.1055).

۳.۲.۲. دکتترین تفسیر علیه بیمه‌گر

الف) مفهوم و ماهیت دکتترین. در حقوق قراردادهای با عنوان «تفسیر علیه تنظیم‌کننده» (Contra Proferentm) وجود دارد که از حقوق رم نشئت می‌گیرد، اما عبارت Contra proferentm ابداعی از مفسران قرون وسطاست که خلاصه‌شده عبارت Contra Verba Fortius Accipuntur

1. Detrimental Reliance

2. Estoppel

Peroferetem می‌باشد (David Horton, 2009, p.80) و به غلط در برخی فرهنگ واژه‌های حقوقی فارسی، تفسیر علیه انشاکننده قرارداد، معنا شده است (آقایی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲). دکترین «تفسیر علیه تنظیم‌کننده» در زبان لاتین با عنوان Contra Proferentum شناخته می‌شود. لغت Contra به معنای علیه یا بر ضد و آن را معادل کلمه انگلیسی Against دانسته‌اند و کلمه Proferentum به معنای پیشنهادکننده یا پیش‌نویس‌کننده که برخی معادل کلمه Drafter به معنای تنظیم‌کننده سند یا به تعبیری تدوین‌کننده پیش‌نویس سند می‌دانند (D.k.Srusrstova, 1998, p.243). البته ترجمه عبارت لاتین Contra Proferentum به Against Drafter هم زیاد صحیح به نظر نمی‌رسد. در نهایت به اعتقاد نگارنده از این نظر که پیشنهاددهنده نیز لزوماً ممکن است تنظیم‌کننده نباشد، بهترین تعبیری که می‌توان برای این دکترین در زبان فارسی به کار برد، تفسیر علیه تنظیم‌کننده است؛ زیرا دربرگیرنده تمامی موارد یعنی پیشنهادکننده، آماده‌کننده و پیش‌نویس‌کننده است. به موجب دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده، در صورت وجود ابهام در قرارداد، ابهام به نحوی رفع می‌شود که به زیان تنظیم‌کننده باشد. لذا در اعمال این دکترین ابتدا منتفع از تعهد یا شرط یادشده معین می‌شود و چیزی که این مسئله را دشوار می‌کند این است که در اجزای مختلف قرارداد مفهوم متعهد و متعهدله قابل تغییر خواهد بود (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹).

در حقوق بیمه ایران به این دکترین در آیین‌نامه شماره ۷۱ اشاره شده است و در ماده ۱۴ آیین‌نامه شماره ۷۱ شورای عالی بیمه با عنوان «آیین‌نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آنها»، بیان شد که «مؤسسه بیمه موظف است بیمه‌نامه و شرایط آن را با حروف خوانا و عبارات قابل درک برای عموم بیمه‌گذاران تهیه نماید. مسئولیت درج صحیح اطلاعات در بیمه‌نامه برعهده بیمه‌گر است و موارد اجمال، ابهام یا اختلاف در مندرجات بیمه‌نامه یا سایر مستندات به نفع بیمه‌گذار یا ذینفع تفسیر می‌شود». همان‌طور که از متن این ماده بر می‌آید، مسئولیت درج ابهام در بیمه‌نامه، به‌عده بیمه‌گذار است و به اصل تفسیر علیه بیمه‌گر یا تنظیم‌کننده در این ماده اشاره مستقیمی نشده، ولی به‌طور غیرمستقیم و به صورت مفهومی این اصل در ماده ۱۴ بیان گردیده است. از طرفی، در این ماده به سلسله‌مراتب برای اعمال این دکترین در برابر دکترین اولیه و اصول سنتی تفسیر قرارداد در راستای کشف قصد طرفین و یا مبانی لازم، از جمله نابرابری مذاکرات برای اعمال این دکترین هیچ اشاره‌ای نشده است. لیکن اعمال دکترین بدون در نظر گرفتن مبانی آن یک حمایت بی‌قید و شرط از بیمه‌گذار است و در این ماده از اعمال مطلق این دکترین نقد شده است.

ب) مبانی دکترین. مبانی حقوقی و فلسفی آن ظاهرگرایی حقوقی می‌باشد. از طرفی، مبانی حقوقی و اقتصادی دکترین ثانویه به‌طور کلی شرح داده شد، ولی شاید اصلی‌ترین مبانی اختصاصی اعمال دکترین، تفسیر علیه تنظیم‌کننده مسئولیت تقصیر باشد؛ به این معنا که در

قراردادهای بیمه، این بیمه‌گر است که قرارداد را پیش‌نویس و تنظیم می‌کند و در صورتی که مرتکب تقصیر شده باشد، خود اوست که به دلیل عدم موفقیت در حصول این نتیجه، باید مسئول شناخته شود (Dudi Shwartz, 2008, p.115). همچنین زمانی که در بیمه‌نامه صرفاً یک تنظیم‌کننده وجود دارد و آن هم بیمه‌گر یا نماینده بیمه‌گر یا وکیل بیمه‌گر است، انتظار می‌رود قرارداد را به نفع خودش یا موکلش تنظیم نماید؛ بنابراین، فرض می‌شود مقرره‌های مبهم بیمه‌نامه، نتیجه رفتار نکوهیده بیمه‌گر است و اینکه تفسیر علیه تنظیم‌کننده، چیزی مثل مسئولیت برای قصور در تنظیم پیش‌نویس بیمه‌نامه خواهد بود (Kenneth S. Abraham, 1996, p.534).

ج) نحوه اعمال دکترین. این دکترین در پرونده‌های بیمه تجاری زیاد کاربرد ندارد؛ توضیح اینکه شروط ممکن است با رضایت متقابل و پس از مذاکره در بیمه‌نامه‌های تجاری گنجانده شود و به عبارتی به هر دو طرف قرارداد منتسب باشد، لذا در این خصوص دکترین اعمال نمی‌شود؛ زیرا پیشنهاد ریسک از سوی بیمه‌گذار خواهد بود و در صورتی که بیمه‌گر آن را نپذیرد، سراغ بیمه‌گر دیگری می‌رود. بنابراین، صحنه رقابت بیمه‌گران زیاد است و بیمه‌گذار در تنظیم قرارداد بیمه نقش مؤثری دارد؛ پس قرارداد الحاقی نیست و زمینه‌ای برای اعمال دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر فراهم نمی‌کند؛ در نتیجه، دادگاه‌ها اعمال قاعده عمومی پوشش به نفع بیمه‌گذار را در این موارد رد کرده‌اند (Pittson Company Ultrama America v. Allianz Insurance Company, 1997, p.598). به این ترتیب، اعمال قاعده تفسیر علیه تنظیم‌کننده به حقایق پرونده بستگی زیادی دارد و نمی‌تواند به‌خودی خود از بیمه‌گذاران جانب‌داری و حمایت کند و این مسئله در رویه قضایی و پرونده‌های دیگر نیز تأیید شده است (A/S Ocean v. Black Sea & Baltic General Ins. Co, 1935). در همین راستا دادگاه‌های انگلیس، این تصور را که تفسیر علیه تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر باید به‌طور خودبه‌خود و بدون در نظر گرفتن مبانی این دکترین و زمینه‌ها و نابرابری‌ها، در تفسیر تمامی انواع بیمه‌نامه‌ها اعمال شود، رد کردند (Birrell v. Dryer, 1884, p.345). دادگاه‌های امریکا نیز منطق مشابهی را دنبال، و جزئیات بیشتری به آن اضافه کردند؛ حتی در احکام اولیه امریکا، در صورتی که بیمه‌گذار طرفی بوده که متن را در خصوص موضوع مورد نظر تنظیم کرده باشد، دادگاه‌ها تمایل زیادی داشتند که قاعده تفسیر علیه تنظیم‌کننده را بر علیه بیمه‌گذار اعمال کنند (Marine Transit Crop v. Northwestren Fire & Marine Ins.Co, 1933).

۳.۳. دکتترین انتظارات معقول

۳.۳.۱. مفهوم و ماهیت دکتترین. این دکتترین را پروفیسور رابرت کیتون بنیان گذاشته، شرح و بسط داده و چنین بیان کرده است: «انتظارات معقول متقاضیان و ذی‌نفعان با توجه به شرایط قرارداد محترم خواهند بود؛ هرچند بررسی دقیق مفاد بیمه‌نامه آن انتظارات را نفی کند» (Stephen J. Ware, 1998, p.1461). سیر تحول این دکتترین در ایالات متحده آمریکا در طول چهار دهه صورت گرفته است. در دهه ۱۹۶۰ تا زمان انتشار مقاله کیتون در سال ۱۹۷۰م، پیش از اینکه عنوانی مشخص برای این معیار انتخاب شود، به شکل یک اصل نسبتاً کلی اعمال می‌شد؛ یعنی به صورت ناخودآگاه، انتظارات معقول بیمه‌گذار در حل و فصل دعاوی بیمه در نظر گرفته می‌شد. با وجود این، علاقه و اشتیاق به این دکتترین بعد از دهه هفتاد رو به کاستی نهاد. در دهه هشتاد در اعمال این دکتترین تجدیدنظری صورت گرفت، زیرا بیم آن می‌رفت که استفاده بیش از حد از این معیار بتواند ثبات و قطعیت روابط قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار را تضعیف نماید. در دهه نود تنها تعداد اندکی از ایالت‌ها این دکتترین را اعمال می‌کردند و در نهایت در سال ۲۰۰۰م بیشتر دادگاه‌هایی که این دکتترین را به آزمون گذاشتند، از بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری آن هراس داشتند و اعمال این دکتترین را صرفاً به زمانی محدود کردند که هر ابهام یا شروط غیرمعقولانه علیه بیمه‌گر تفسیر شود (Stephen J. Ware, 1998, p.1466). نوآوری این دکتترین در این است که درحالی که برای اعمال قاعده تفسیر علیه بیمه‌گر لازم است در متن قرارداد ابهامی وجود داشته باشد، معیار انتظارات معقول بیمه‌گذار، حتی در موردی که متن قرارداد کاملاً واضح باشد، قابلیت اعمال دارد (W. Whyte Spicer, 1991, p.463).

۳.۳.۲. مبانی دکتترین. مبانی فلسفی و حقوقی دکتترین انتظارات معقول، کارکردگرایی حقوقی می‌باشد و بر این مبنا استوار است. در کنار آن موارد، یکی از مبانی اختصاصی اعمال دکتترین انتظارات معقول این است که اغلب تبلیغات شرکت‌های بیمه انتظارات معقول بیمه‌گذاران را از پوشش بیمه می‌سازد؛ به عبارت دیگر، تبلیغات شرکت‌های بیمه سبب ایجاد انتظارات بیمه‌گذار و رغبت او به سرمایه‌گذاری در بیمه است و لذا شرکت بیمه باید تاوان ایجاد انتظار را بدهد (Athur J. Park, 2012, p.174).

۳.۳.۳. چگونگی اعمال دکتترین. در اعمال این دکتترین، دادگاه، نخست دکتترین اولیه تفسیر قراردادها را اعمال می‌کند و در صورت وجود ابهام، وضعیت نابرابر قراردادی و مبانی حقوقی و اقتصادی، اعمال دکتترین ثانویه را به‌عنوان امر موضوعی بررسی خواهد کرد و در صورت احراز شرایط، دکتترین ثانویه را برای ترمیم وضعیت نابرابر اعمال می‌نماید (Divid Horton, 2009, p.19).

۴. نتیجه

- ممکن است قواعد خاصی که از سوی دادگاه‌ها برای تفسیر بیمه‌نامه‌ها ایجاد شده‌اند، با هدف بهبود موقعیت بیمه‌گذار و نیز جانب‌داری از بیمه‌گذار به کار روند. دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده که مهم‌ترین دکترین تفسیری دکترین ثانویه به‌شمار می‌رود؛ در موردی که متن قرارداد تاب دو یا چند تفسیر مختلف را دارد، کفه ترازو همیشه به نفع بیمه‌گذار و علیه بیمه‌گر که قرارداد را تنظیم کرده است، سنگینی می‌کند. همچنین در کنار دکترین تفسیر تنظیم‌کننده یا بیمه‌گر، دکترین انتظارات معقول به محاکم اختیار می‌دهد که در متن قرارداد مداخله کنند. نوآوری این دکترین این است که هرگاه شروط قرارداد با انتظارات معقول بیمه‌گذار ناسازگار باشد، می‌تواند بر آن‌ها غلبه کند؛ به عبارتی دیگر، طبق این قاعده حتی می‌توان شروط صریح قرارداد را کنار گذاشت.
 - در نظام حقوق بیمه ایران، به صورت مختصر و بدون اشاره به مبانی لازم و اولویت اعمال دکترین اولیه در تفسیر قراردادهای بیمه، در آیین‌نامه شماره ۷۱ تمامی بیمه‌نامه‌ها را مشمول دکترین تفسیر علیه تنظیم‌کننده و یا بیمه‌گر نموده است که با توجه به شرایط و مبانی لازم برای اعمال هر یک از دکترین مورد نقد می‌باشد.
- و اما پیشنهادهای این تحقیق از این قرار است: افزودن مقررات و قیودی کنترلی و نظارتی از نظر محتوا بر مقررات و قوانین بیمه‌ای از سوی یک ارگان حکومتی یا دولتی در راستای مقابله با موقعیت بالقوه سوءاستفاده بیمه‌گر در قراردادهای استاندارد در انعقاد قراردادهای بیمه، و تحمیل نمودن نهادی همچون همیار بیمه‌گذار در راستای حمایت از بیمه‌گذاران غیرحرفه‌ای و همچنین، سیستم اجباری ارائه بروشور و اعلامیه و یا اطلاعیه‌های اضافی پیش از انعقاد قرارداد از سوی بیمه‌گر به بیمه‌گذار در جهت بالا بردن اطلاعات بیمه‌گذار و برابری موقعیت قراردادی طرفین و ارائه اصول و شیوه‌نامه تفسیر قراردادهای بیمه از سوی اداره بیمه مرکزی به بیمه‌گران در راستای رعایت موارد اساسی در جهت حمایت از بیمه‌گذاران غیرحرفه‌ای و شرح ضمانت اجرای رعایت نکردن این اصول که می‌تواند همان دکترین ثانویه باشد. از آنجایی که در حقوق بیمه ایران، تفسیر بیمه‌نامه‌ها به صورت بسیار مختصر و کلی در حد یک ماده بیان گردیده است و اعمال آن شیوه در همه وضعیت‌ها مناسب به‌نظر نمی‌رسد و چه‌بسا ممکن است موجب شکست بازار گردد، لذا نگارندگان این سطور پیشنهاد می‌نمایند که در تفسیر بیمه‌نامه‌ها باید آیین‌نامه‌ای با عنوان اصول و شیوه تفسیر قراردادهای بیمه تنظیم، و در آن شرایط اعمال دکترین تفسیری بیمه‌نامه‌ها شرح داده شود.

منابع و مأخذ**الف) فارسی****- کتابها**

۱. بابایی، ایرج (۱۳۸۹). حقوق بیمه. ویرایش ۹، تهران: انتشارات سمت.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. ویرایش چهارم، جلد دوم و سوم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۳. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین الملل. ویرایش سوم، تهران: انتشارات سمت.

- مقالهها

۴. علوی یزدی، حمیدرضا، بابازاده، بابک (۱۳۸۹). «شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان». فصلنامه پژوهش حقوق ۲۷۰-۲۲۶.
۵. موسوی، سید فضل‌الله، موسوی، سید مهدی، وکیلی مقدم، محمد حسین، غلامی، مهدی (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی ۲۱۳-۱۸۳.

ب) خارجی**- Books**

6. A. Garner, Bryan. Black's Law Dictionary. (2004) 8th Ed. United States of America: West Publishing Co.
7. Anderson, Philip. (1999) The Mariner Guide to Marine Insurance. 1st Ed. London: The National Institute.
8. Bennett, Howat. (2007) Law Of Marine Insurance. 2nd Ed. Asturalia & New zeland: Oxford University Press.
9. Burton J Steven. (2009) Elements of Contract Interpretation. 1st Ed. New York: Oxford University Press.
10. Mustill, Sir Michael J. Gilman, Jonathan C. B. (1981) 16th Ed. Arnould's Law of Marine Insurance And Average. London: Steven & Sons.

- Articles

11. Abraham, Kenneth S. (1996) "A Theory of Insurance policy Interpretation" Michigan Law Review 95:531-569.
12. D. k. Srustrova. (1998) "Modernization of insurance concepts in china" Canberra Law Review 4:231-246.
13. Dudi Shwartz. (2008) "Interpretation And Disclosure In Insurance Contracts", Loyola Consumrt Law Review 21:105-154.
14. Fisher, James M. (1995) "Why Are Insurance Contract Subject to Specail Rule of Interpretation: Texr Versus Context", Arizona State Law Journal 24:995-1067.
15. Horton, David. (2009) "Flipping The Script Contra Proferentem And Standard Form Contracts", University Coloardo Law Review 80:1-46.
16. Miller, David S. (1998) "Insurance As Contract: The Argument For Aboning The Ambiguty Doctrine" Columbia Law Review 88:1849-1872.
17. Park, Arthur J. (2012) "What to Reasonably Expect in The Coming Years From The Reasonable Expectations of The Insured Doctrine". Willamerre Law Review 49:165-188.
18. Rappaport, Michael B. (1995) "The Ambiguty Rule and Insurance Law: Why Insurace Contracts Should Not Be Construed Against The Drafter" Gorgia Law Review 30:995-1044
19. Swisher, Peter N. (1991) "Judicial Rationales in Insurance Law: Dusting Off the Formal for the Function", Ohio State Law Journal 52:1037-1074.

- Thesis

20. Torbert, Preston M. (2014). "A Study of the Risks of Contract Ambiguty". Master degree. University School of International Law.